

شبکه معنایی "تقوا" در گستره آیات نورانی قرآن کریم

دکتر خالد موحدی نیا^۱ / دکتر حسین قدمی^۲

چکیده: تقوا در قرآن کریم به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین اخلاقی و اجتماعی، شبکه‌ای از معانی و مضامین را در بر می‌گیرد که به مسئولیت‌های فردی و جمعی انسان مرتبط است. این مفهوم در آیات مختلف با ایمان، عدالت، صداقت و اخلاق نیکو پیوند خورده و به عنوان مراقبت و پرهیز از ناپسندها و انجام اعمال صالح تعریف می‌شود. شبکه معنایی تقوا علاوه بر ارتباط با مفاهیمی چون تقرب به خدا، دعا و صدقه، در بستر اجتماعی نیز به ایجاد حسن نیت، همکاری و ارتقای جامعه منجر می‌گردد. بدین سان، تقوا نه تنها راهنمایی برای سعادت فردی، بلکه ابزاری برای سامان‌دهی روابط انسانی و الهی و دستیابی به مسیر درست زندگی است. این پژوهش با رویکرد معناشناسی و تحلیل ادبی - بلاغی، به تبیین شبکه معنایی تقوا در قرآن کریم می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی، تقوا، قرآن کریم، تحلیل ادبی - بلاغی

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۱.

۱. (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، پردیس زاهدان، دانشگاه فرهنگیان، زاهدان، ایران) (نویسنده مسئول)

shaykhanhafez@gmail.com

۲. (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران)

Dr.ghadami91@gmail.com

۱. مقدمه:

قرآن کریم به عنوان متنی وحیانی، در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد و واژگان آن با دقت و ظرافتی بی‌بدیل انتخاب شده‌اند. علوم بلاغی (معانی، بیان و بدیع) ابزارهایی برای درک جنبه‌های اعجاز قرآن محسوب می‌شوند و از رهگذر آنها می‌توان به زیبایی‌های معنوی و هنری آیات دست یافت. تقوا در این متن مقدس، نه تنها به عنوان یک ویژگی فردی، بلکه به مثابه نظامی اخلاقی و اجتماعی در مسیر کمال انسانی معرفی شده است. اهمیت این مفهوم در آن است که با مفاهیم کلیدی دیگری چون ایمان، عمل صالح و عدالت پیوند خورده و به عنوان محور هدایت انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی مطرح می‌شود. علم بلاغت، وسیله‌ای برای درک یکی از وجوه اعجاز قرآن است، شکوفایی دانش بلاغت با ظهور اسلام و اعجاز جاودانه قرآن، پیوندی دیرینه دارد. یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن، فصاحت و بلاغت آن است؛ ابن خلدون معتقد است: فن بلاغت تنها برای فهم و بازیابی وجه اعجاز قرآن کریم بنیان گذاشته شده، زیرا اعجاز قرآن در آن است که چنان دلالت و ارشاد می‌کند که وافی و رسا به همه مقتضیات احوال انسان است. اولین تبلور اعجاز بلاغی قرآن را می‌توان در گزینش واژه‌ها دانست؛ واژه‌های قرآن استوار و درست، آشنا، خوش آوا، خوش آهنگ و در اوج فصاحت است. واژه‌های قرآن نورآفرین و بسیار آشنا تر از واژه‌هایی است که در شعر آن روز عرب به کار رفته است. بنابراین؛ شبکه معنایی تقوا در قرآن، ابزاری برای درک بهتر روابط انسانی و الهی و مسیر درست زندگی است. تقوا در قرآن نه تنها به یک ویژگی فردی اشاره دارد، بلکه به یک نظام اخلاقی و اجتماعی در راه رسیدن به کمال انسانی نیز تفسیر می‌شود.

۲. بیان مسئله:

با وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه معناشناسی تقوا، کمتر به ابعاد ادبی و بلاغی این واژه در قرآن توجه شده است. در حالی که ظرافت‌های بیانی و شبکه معنایی تقوا می‌تواند نقش مهمی در تبیین جایگاه آن در نظام اخلاقی و اجتماعی اسلام ایفا کند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که تقوا در قرآن کریم چگونه در قالب شبکه‌ای از معانی و مضامین

ترسیم شده و چه ارتباطی با مفاهیم بنیادین دیگر دارد. خلأ موجود در مطالعات پیشین، ضرورت بررسی جامع این مفهوم از منظر معناشناسی و بلاغت را آشکار می‌سازد. در این پژوهش به تبیین شبکه معنایی، ادبی و بلاغی واژه تقوا در قرآن با طرح پرسش‌های اصلی و فرعی در کنار فرضیاتی می‌پردازد:

۳. پرسش‌های تحقیق:

۱. مفهوم تقوا در آیات قرآن چگونه تعریف شده و چه ویژگی‌هایی برای آن ذکر گردیده است؟

۲. رابطه تقوا با عمل صالح در آیات قرآن چگونه تبیین شده است؟

۳. آثار و پیامدهای تقوا در زندگی فردی و اجتماعی چیست و قرآن چه نتایجی برای آن بیان می‌کند؟

۴. فرضیه‌ها:

۱. تقوا در قرآن کریم به عنوان ویژگی اخلاقی، به طور مستقیم با عمل صالح و کردار نیک مرتبط است.

۲. تقوا در آیات قرآن عامل آرامش، موفقیت و هدایت انسان معرفی شده است.

۳. تقوا علاوه بر جنبه فردی، به عنوان اصل اجتماعی در سامان‌دهی روابط انسانی و ارتقای جامعه نقش‌آفرین است.

۵. پیشینه و روش پژوهش:

تاکنون مقالات و کتب و پایان‌نامه‌های متعددی به معناشناسی تقوا پرداخته‌اند و آن را از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند، ولی در زمینه بررسی بلاغی و ادبی واژه تقوا، تحقیقی صورت نگرفته است، درباره ظرافت‌های ادبی و بلاغی آیات قرآن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کتاب «أصول و شیوه‌های نقد ادبی» اثر سید قطب که در سال ۱۳۹۰ توسط محمد

باهر به زبان فارسی ترجمه شده است.

- کتاب «نقدآموزی ترجمه‌های قرآن» نوشته محمدرضا صفوی در سال ۱۳۹۱.
- پایان‌نامه‌هایی با عناوین «أصول نقد ترجمه‌های ادبی» که در سال ۱۳۸۷ توسط یوسف رضازاده.
- «بررسی ترجمه قرآن با نگاه یوجین نایدا» که در سال ۱۳۹۳ توسط زهرا ابراهیمی.
- پایان‌نامه دیگری با عنوان «نقد بلاغی ترجمه نهج البلاغه (شهیدی) با تأکید بر صور خیال در ۱۰۰ خطبه» رؤیا اسدی.

۶. روش پژوهش:

این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع معتبر قرآنی، تفسیری و ادبی گردآوری گردیده‌اند. در مرحله نخست، آیات مرتبط با مفهوم تقوا استخراج و دسته‌بندی شدند. سپس با بهره‌گیری از روش معناشناسی و تحلیل بلاغی، شبکه معنایی واژه تقوا در قرآن کریم تبیین گردید.

شبکه معنایی کلمه «تقوا» در قرآن کریم

۱. تعریف واژه‌شناختی و مفهومی تقوا در قرآن

تقوا از ریشه «و-ق-ی» به معنای «نگاه داشتن»، «پرهیز داشتن» و «خود را محافظت کردن» است. در اصطلاح قرآنی، تقوا به معنای خویش‌تنداری آگاهانه در برابر گناه و نافرمانی، و پایبندی به دستورات الهی در تمام جنبه‌های زندگی انسان است. این واژه و مشتقات آن بیش از ۲۵۰ بار در قرآن کریم آمده و در سیاق‌های مختلف معنایی متنوعی پیدا کرده است.

۲. ابعاد و ویژگی‌های تقوا در قرآن

الف. راهی برای هدایت: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (سوره بقره، آیه ۲) از این آیه مشخص است که هدایت قرآنی تنها نصیب کسانی می‌شود که «تقوا» پیشه کرده باشند. پس، تقوا نه فقط یک صفت اخلاقی، بلکه پیش‌شرط درک و بهره‌مندی از قرآن است.

- ب. معیار برتری انسان‌ها نزد خدا: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (سوره حجرات، آیه ۱۳)
- ج. سبب بخشش گناهان و دریافت اجر عظیم: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾ (سوره طلاق، آیه ۵)
- د. عامل رهایی و گشایش و ضامن رزق الهی: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (سوره طلاق، آیات ۲-۳)
- هـ. تقوا، شرط قبولی اعمال عبادی: ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾ (سوره حج، آیه ۳۷)

۳. شبکه معنایی تقوا در قرآن: ارتباط‌های معنایی

مفهوم مرتبط با تقوا نمونه آیه ارتباط مفهومی:

هدایت: سوره بقره آیه ۲.

ایمان: سوره آل عمران ۱۷۵.

صبر: سوره آل عمران ۲۰۰.

تقرب به خدا: سوره حجرات ۱۳.

عمل صالح: سوره مائده ۲۷.

آمزش: سوره طلاق ۵.

اخلاق نیکو: سوره بقره ۱۷۷.

۴. سطوح تقوا و دعوت قرآن به آن

تقوای ابتدایی: پرهیز از گناه (حداقلی).

تقوای عملی: انجام واجبات و ترک محرمات.

تقوای کامل (حق تقاته): رسیدن به بالاترین مرتبه بندگی.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۲)

شبکه معنایی کلمه «تقوا» و رابطه آن با عمل صالح در قرآن:

تحلیل آیات نشان می‌دهد که تقوا با مفاهیمی چون ایمان، صبر، عمل صالح، تقرب به خدا، آمزش و اخلاق نیکو در ارتباط است. این ارتباط‌ها نشان می‌دهد که

تقوا نه تنها یک ویژگی فردی، بلکه نظامی اخلاقی و اجتماعی است که روابط انسانی را سامان می‌دهد. کلمه «تقوا» در قرآن بسیار مهم و کلیدی است و ریشه‌اش به معنای «پرهیزکاری»، «خودنگهداری» و «اجتناب از گناه» برمی‌گردد. اما نکته مهم این است که قرآن این مفهوم را صرفاً یک حالت ذهنی یا احساسی معرفی نمی‌کند، بلکه آن را به شکل عملی و همراه با رفتار و عمل صالح نشان می‌دهد. رابطه تقوا و عمل صالح تقوا در قرآن، بیشتر از اینکه فقط «ترس از اینکه انسان در دل و ذهنش تقوا داشته باشد، رفتار نیز پاک خواهد بود.

چگونه تقوا به عمل صالح منجر می‌شود؟

عامل انگیزه برای عمل صالح است: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره ۲) یعنی کسانی که تقوا پیشه کنند، این کتاب برایشان راهنمای عمل صالح است.

عمل صالح نشانه بیرونی تقوا است

در بسیاری از آیات، عمل صالح همراه با تقوا ذکر شده‌اند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر: ۳)

پایه ثبات در عمل صالح است

قرآن می‌گوید که بدون تقوا عمل صالح ممکن است پایدار نباشد: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (نساء ۵۷)

عامل پاکی نیت و اخلاص در عمل است: ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾ (حج ۳۷)

شبکه معنایی این رابطه در قرآن

تقوا و عمل صالح به صورت یک «چرخه معنایی» به هم متصل‌اند؛ تقوا به عمل صالح انگیزه می‌دهد، عمل صالح نشانه تقواست، و هر دو با هم عامل موفقیت در دنیا و آخرتند. بسیاری از آیات قرآن این دوراکنار هم آورده‌اند تا رابطه‌شان را نشان دهند و ایمان و تقوا و عمل صالح سه ضلع مثلثی‌اند که یکی بدون دیگری ناقص است.

شواهد قرآنی برای این رابطه:

- ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ (بقره ۱۱۱)
 ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا﴾ (الکھف ۱۰۷)
 ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه ۱۱۹)

رابطه تقوا و ایمان در قرآن کریم

۱. ایمان و تقوا دو رکن مکمل در زندگی معنوی است. ایمان به معنای باور قلبی و اقرار به اصول دین است، در حالی که تقوا جلوه عملی و رفتاری آن ایمان است.

۲. تقوا، بُعد عملی و محافظتی ایمان است.

تقوا به معنای «پرهیزکاری» و «نگه داشتن خود از گناه» است. ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد، آیه ۲۸)

۳. در آیات متعدد ایمان و تقوا توأمان ذکر شده اند:

سوره آل عمران، آیه ۱۷۵: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

۴. ایمان بدون تقوا ناقص است: ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لِحُومِهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾

(حج، ۳۷)

۵. تقوا، نگهبان و محافظ ایمان است: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾

(توبه، ۱۱۹)

پس ایمان باور قلبی است؛ و تقوا نمود بیرونی و عملی ایمان است؛

شواهد قرآنی:

سوره آل عمران، آیه ۱۳۱:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأُوْتُوا الْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ﴾

تقوا با عمل نیک و رفتار اجتماعی همراه شده است.

سوره نسا، آیه ۱۳۵:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن

يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَاقِرًا فَإِنَّهُ أُولَىٰ بِهِمَا﴾

این آیه به اهمیت ایمان با تقوا در حفظ عدالت اشاره دارد.

سوره توبه، آیه ۱۱۹:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾

تقوا را به عنوان یک فرمان ضروری برای مؤمنان.

سوره بقره، آیه ۲۷۶: ﴿الَّذِينَ يَكْسِبُونَ آلْسَبِّتِ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ بَعْدِهَا وَيُصْلِحُونَ﴾

توبه (نمادی از تقوا) و عمل صالح با هم موجب پذیرش از جانب خداست.

۱. مبانی نظری

۱. تقوا و اهمیت آن در قرآن

هر مکتبی نظام ارزشی خاصی را تعریف می‌کند. در زمان انبیای گذشته که داستان آنها در قرآن آمده است معیارهایی برای ارزشگذاری مرسوم بوده که طاغوت‌های آن زمان، انبیاء را با آن مورد ارزیابی قرار می‌دادند از جمله ثروت، نژاد، قوم و قبیله و حتی طبقه اجتماعی کسانی که با ایشان در معاشرت بودند (زخرف: ۵۳؛ هود: ۲۷) ولی مکتب اسلام همه معیارهای نادرست را رد کرده و تقوا را تنها معیار ارزشگذاری انسان‌ها معرفی کرده (حجرات: ۱۳)، در «چهل و نه» موضع، متقین را ستوده و در «هشتاد و سه» موضع، پاداش و اثرات نیک تقوا را ذکر کرده است. (شمیم یاس، ۱۳۸۳، ص ۳) که البته تقوا نیز همچون هر فضیلت دیگر دارای مراتب، مصادیق و درجات مختلفی است که خدای حکیم در آیه ۹۳ مائده این حقیقت را به صراحت بیان کرده است که این تفاوت درجات به عواملی از جمله تفاوت فهم و درک، میزان ظرفیت و سعه وجودی افراد (رعد: ۱۷، محمد: ۱۷)، همچنین مقدار تلاش آنها (نجم: ۳۹) بستگی دارد.

در فارسی برای تقوا معنای پرهیزکاری در نظر گرفته می‌شود و در نهج البلاغه برابر با مفهوم پرهیز نیست بلکه رابطه‌ای دوسویه بین تقوا و پرهیز برقرار است به طوری که پرهیزهای معقول از یک طرف سبب و مقدمه‌ای برای رسیدن به این حالت و از طرف دیگر معلول و نتیجه آن می‌باشد که باعث تقویت روح و مصونیت او در مقابل گناهان می‌گردد. از نگاه نهج البلاغه تقوا نیرویی متعالی است که علاوه بر اینکه منشأ کشش

به سوی ارزش‌های فرامادّی است، عاملی برای پرهیز از پستی‌ها و رذایل نیز می‌باشد. (شیخی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۷، ۱۱۸) بدین ترتیب تقوا نزد امیرمومنان دارای دو رویکرد سلبی (پرهیز از رذائل) و ایجابی (کشش به سوی معنویات و رسیدن به قرب الهی) است و به هر دو جنبه توجه شده است.

۱-۲. معناشناسی تقوا:

تقوا از ریشه «وقی» در واقع «وقوی» است که با ابدالی که در حرف «واو» صورت گرفته بدین صورت درآمده است. «وقایه» و «وقاء» حفظ شیء از آنچه موجب آزار و اذیت است می‌باشد و تقوا، اسم از مصدر «إتقاء» و هم معنا با آن و به معنای خودنگهداری و پرهیزکردن است. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۲۳۶).

در قوامیس، «وقی» به معنای نگهداری شیء از چیزی که به او آزار و ضرر رساند می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۳۹)، سپس برای کسی که بتواند نفس خود را از محارم، شرک، گناهان، و یا از هر چیزی که آزاری را در آینده در پی دارد حفظ کرده و از آنها دوری کند به کار رفته است. پس ابتدا برای محسوسات مثل اسب و زین بوده سپس از نظر معنایی توسعه یافته است.

ایزوتسو معتقد است تقوا در قرآن به چند معنا به کار رفته که ابتدایی‌ترین آن معنای عرفی این کلمه بوده و معنای دینی یا اخلاقی نداشته و به این معنا بوده است که شخص میان خود و چیزی که از آن می‌ترسد حائل و مانعی قرار دهد تا از گزند آن مصون بماند (زمر: ۲۴؛ نحل: ۸۱؛ اعراف: ۲۶). سپس به معنای اخلاقی نیز بکار رفته است یعنی همین معنای اولیه در زمینه‌ی معنوی استفاده شود. مثل اینکه شخص عبادت خویش را سپر خویش در برابر عذاب الهی قرار دهد. (روم: ۳۱) (ایزوتسو، ۱۳۶۱ ش، ص ۳۰۵، ۳۰۸) و معنای دیگر، ترس از خدایا و به بیانی بهتر ترس از عذاب اوست که ترس آمیخته با احترام می‌باشد و با مفاهیمی چون خشیت در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد. (نور: ۵۲؛ انبیاء ۴۹ و ۴۸؛ رمز: ۱۶) (ایزوتسو، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۰۴).

پس تقوا در سیر نزول آیات گسترش یافته، اعمال دینی را نیز شامل می‌گردد و سؤمین معنای آن در قرآن، رعایت اوامر و نواهی خداوند یا به تعبیری دیگر عمل به طاعت و ترک

معصیت است. (زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۱). حفظو نگهداری می‌تواند هسته اصلی معنای لغوی آن محسوب شود چون در هر کدام از وجوه، حفظ و نگهداری مستفاد است. باید توجه داشت «تقوا صفتی است که با تمامی مراتب ایمان قابل جمع است و اینطور نیست که تقوا صفت مرتبهای از مراتب ایمان باشد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱، ص ۶۹).

۱. ریشه‌های ادبی - بلاغی تقوا

۱-۳. توسعه معنای مصدر «تقوی»:

واژه تقوا که به صورت مصدر از ریشه وقی می‌باشد، دوازده بار در قرآن به کار رفته است. با در نظر گرفتن سیاق این آیات توسعه معنایی قابل توجهی در معنای این واژه مشاهده می‌شود از جمله:

۱-۳-۱. معنای تقوا هنگام تعلق به نفس:

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس: ۷-۸). در این آیه سیاق در مورد خلقت و تسویه نفس است. پس از آن، فجور نفس، به او الهام شده و در مقابلش، تقوای نفس نیز به او الهام شده است. ابن عاشور می‌گوید شناساندن تقوا و فجور توسط پیامبران انجام می‌شود و الهام تقوا و فجور به نفس، وجود قوه ادراک است تا آنچه پیامبرانی به آن دعوت می‌کنند، بفهمند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۲۷).

فجور که معنای لغوی آن پاره کردن می‌باشد، در مورد انسان به معنای انحراف از راه راست معنا شده است (أزهري، ۱۴۲۱: ۲۶). در مقابل فجور، تقوا است که با طرحواره نیروی مقاوم نشان داده شود.

۱-۳-۲. معنای تقوا در تعلق به قلب:

تقوا در آیه دیگری به قلب نسبت داد می‌شود: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲). تقوای نفس نگهداری نفس از فجور است؛ اما از آثار تقوای قلب تعظیم شعائر خداست. آنچه قلب نگهداری می‌کند جلوگیری از انحراف نیست، بلکه حفظ خداست؛ چون تعظیم شعائر خدا نتیجه تعظیم خداست. اینجا قلب در حوزه معرفتی قرار دارد (نصرتی و رکعی، ۱۳۹۳: ۷).

۳-۱-۳. تغییر معنایی تقوا در مورد خداوند:

تقوا در قرآن به انسان نسبت داد شده است؛ اما فقط در یک مورد به خداوند نسبت داده می‌شود و خداوند را «أهل التقوی» معرفی می‌کند: ﴿وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾ (مدثر: ۵۶). با توجه به تعاریف تقوا حفظ نفس از آنچه مورد ترس است یا حفظ از گناه در مورد خداوند صدق نمی‌کند؛ به همین دلیل بیشتر تفاسیر و کتب لغت، أهل التقوی را در مورد خداوند این گونه معنا کرده‌اند: «او استحقاق دارد که بندگان از او تقوا کنند و از عقاب او بترسند» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۸۹).

در میان کتب لغت تنها طریحی در بیان معنای اهل التقوی، تقوا را به خداوند نسبت داده است نه اینکه استحقاق تقوای بندگان را دارد. طریحی می‌گوید: «أنا أهل أن أتقى إن عصيت و أنا أهل أن أغفر»: (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۴۹). البته طریحی معنای فعل اتقی را در مورد خداوند بیان نمی‌کند.

فعل «وقی» در امور انسان برای حفظ خود به کار رفته، سپس کاربرد مصدری آن برای یک صفت انسانی، به صورت یک مفهوم شناخته شده درآمده است؛ اما اگر به کاربردهای فعل «وقی» در مورد خداوند دقت شود، این فعل ده مرتبه در قرآن برای خداوند در معنای حفظ بندگان از عذاب و سیئات به کار رفته است (طور: ۱۸/ انسان: ۱۱/ غافر: ۹/ بقره: ۲۰۱/ آل عمران: ۱۶/ غافر: ۹/ طور: ۲۷/ غافر: ۴۵)؛ مانند ﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ (دخان: ۵۶).

بنابراین وقتی خداوند فاعل «وقی» ذکر می‌شود، مصدر این فعل نیز می‌تواند به خداوند نسبت داده شود. این تعبیر در مورد خداوند به معنای حفظ بندگان از اصابت سیئات و عذاب هاست. در حقیقت أهل التقوی بدین معناست که خداوند اهل آن است که عذاب خود را از بندگان باز دارد و این معنا با همنشینی «أهل المغفرة» که در ادامه آیه آمده نیز تناسب دارد؛ چون کسی که اهل آن است که به هر بهانه‌ای عذاب خود را از بندگان باز دارد، اوست که به هر بهانه بندگان را مورد مغفرت قرار می‌دهد. شاهد این معنا را می‌توان روایتی دانست که در ذیل این آیه نقل شده است: «و قال ﷻ: أَنْ اللَّهُ أَقْسَمُ بَعَثْتَهُ وَ جَلَّالَهُ أَلَّا

یَعَذَّبُ أَهْلَ تَوْحِيدِهِ بِالنَّارِ (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ق ۲۵۲). نیز فرازهایی از دعاهای ائمه علیهم السلام که صفت اهل التقوی برای خداوند در سیاق طلب حفظ از عذاب و طلب بخشش آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۲). مانند این دعا: «اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَنْتَ أَحَقُّ بِمَعْرِفَتِهِ إِذْ كُنْتَ أُولَىٰ بَسْتَرْتَهُ [بستره] فَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۳). در واژه تقوا مؤلفه ترس حذف می‌شود و این، همان مبهم بودن مرزهای معنایی برای واژه‌های را اثبات می‌کند؛ چون معنای ترسیدن در مورد خداوند به کار نمی‌رود و حفظ خداوند برای بندگان به دنبال ترسیدن خداوند نیست. شبکه شعاعی واژه تقوا را در این موارد می‌توان به صورت زیر در نظر گرفت:

معنای پیش نمونه تقوا حفظ از آنچه ضرر دارد همراه با خوف.

مقاومت در مقابل طغیان و انجام معاصی (فاعل انسان و محل آن نفس).

نگاهداری در مورد خدا و تعظیم شعائر خدا (فاعل انسان و محل آن قلب).

حفظ بندگان از عذاب و سیئات (فاعل خداست).

۲-۳. توسعه معنای فعل «اتَّقُوا» با تغییر نوع مفعول:

«اتَّقُوا» فعل امر از ریشه «وقی» در باب افتعال است که از نظر قواعد صرف و نحو زبان عربی، باب افتعال می‌تواند معانی جدیدی را از یک ریشه بسازد؛ از جمله مطاوعه و اثرپذیری، اتخاذ و فراهم کردن مبدأ فعل، مشارکت، کوشش و تکلف، طلب، تأکید و مبالغه (جمالی، ۱۳۹۲: ۱۱۷۵). برخی مفسران معنای مطاوعه را برای اتقاء در نظر گرفته‌اند؛ بدین معنا که وقتی فعل «وقی» به باب افتعال می‌رود، یکی از مفعول‌های آن حذف می‌شود و چون وقتی به معنای حفظ کردن چیزی از اذیت چیز دیگر است، «اتقاء» به معنای حفظ شدن از اذیت چیزی می‌باشد یا اینکه خود را از اذیت آن حفظ کردن (مستفید، ۱۳۹۰: ۳۱۰). البته معنای اتخاذ نیز برای باب افتعال ذکر شده است؛ سمین حلبی فعل اتقاء را برای داشتن معنای اتخاذ ذکر می‌کند (السمین الحلبی، ۱۴۰۶: ۹۰).

از معانی دیگر باب افتعال کوشش است که دلالت دارد بر اینکه فعل با کوشش فاعل انجام می‌شود. تبریزی در شرحش بر دیوان حماسه آورده است: «الاتقاء أن تجعل بینک

و بین ما تخافه حاجزاً یحفظک: اتقاء عبارت از این است که میان خود و چیزی که از آن می‌ترسی، چیزی قرار دهی» (تبریزی، ۱۹۹۵م: ۲۵۴) و در اشعار جاهلی، این کلمه با این معنا زیاد به چشم می‌خورد:

إن یتقون بی الأسنه لم اجمعنها و لکنی تضایق مقدمی

یعنی هنگامی که دوستانم مرا میان خودشان و سرنیزه‌های دشمنان قرار می‌دهند تا خود را در پشت سر من حفظ کنند، اصلاً شانه تهی نمی‌کنیم، ولی نمی‌توانم خوب پیشروی کنم و جا پای من تنگ می‌شود (ترجانی‌زاده، ۱۳۴۸: ۲۱۶).

پس کلمه اتقاء در معنای مادی خود به معنای حفظ خود به وسیله چیزی در برابر چیز دیگری است. می‌توان طرحواره تصویری این معنا را بدین صورت نشان داد: این معنا را می‌توان در آیاتی از قرآن که اتقاء در آنها معنایی نزدیک به معنای حسی دارد مشاهده کرد. در مورد اینکه انسان خود را از آتش اخروی حفظ کند، می‌گوید: ﴿فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ (بقره: ۲۴). گرچه این جمله در مورد معنای اخروی است، استعاره‌ای که استفاده کرده همان مفهوم حفظ خود از خطر آتش را می‌سازد که همان طرحواره تصویری بالا آن را نشان می‌دهد که این، شاهدهی است بر آنکه همان معنای حفظ خود از خطر، معنای پیش نمونه اتقائاً باشد. راغب نیز در این کلمه وجود معنای ترس را متذکر شده است، به جهتی که حفظ از خطر مقتضای وجود خوف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۸).

برای اتقاء می‌توان ویژگی‌های معنایی زیر را در نظر گرفت:

الف) وجود خطر برای انسان؛

ب) ترس از آن خطر؛

ج) حفظ انسان از خطر به وسیله یک نگهدارنده.

فعل اتَّقُوا به صورت فعل امر با پنج نوع مفعول در قرآن به کار رفته است: «اتَّقُوا النَّارَ»، «اتَّقُوا يَوْمًا» به معنای روز قیامت، «اتَّقُوا» با مفعول فتنه و نیز «تَتَّقُوا مِنْهُمْ» با مفعول قرار گرفتن مشرکان و در تمامی این موارد، مؤلفه معنایی واحدی دیده می‌شود و آن، حفظ خود از شر آن چیزی است که مفعول این فعل واقع شده است. مفعول پنجم «الله» است که ۴۲

بار در قرآن تکرار شده و چهار مرتبه نیز خداوند با ضمیر متکلم به صورت «فاتقون» مفعول قرار گرفته است.

در تقاسیر معنای ثابت خوف یا احتراز و اجتناب را برای اتقوا در نظر گرفته و این جمله را حمل بر «اتقوا عذاب الله» نموده اند یا «اجتنبوا معاصی الله» یا «اتقوا ماصیه» یا «اخشوا عذابه و احذروا معاصیه» معنا کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۹۳/ حقی برسوی، ۱۳۷۸: ۳۸۸)؛ اما براساس نتایج معناشناسی شناختی، هر تعبیر قرآنی بر پایه مفهوم‌سازی خاصی استوار شده است؛ بنابراین در معناشناسی آن، مفسر باید از برگرداندن هر تعبیری به تعبیر دیگر پرهیز کند و مفهوم‌سازی نهفته در هر تعبیری را آن گونه که هست، بیابد. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

نتیجه‌گیری:

تقوا در قرآن کریم مفهومی چندلایه و شبکه‌ای است که هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارد. این مفهوم با دیگر عناصر بنیادین دین اسلام همچون ایمان و عمل صالح در ارتباط است و به عنوان راهنمایی برای دستیابی به سعادت فردی و ارتقای جامعه عمل می‌کند. بنابراین، مطالعه شبکه معنایی تقوا می‌تواند به فهم عمیق‌تر نظام اخلاقی اسلام و کشف ابعاد تازه‌ای از اعجاز بیانی قرآن یاری رساند. با تغییر زاویه دید از یکسان‌نگاشتن معنا برای یک واژه در سیاق‌های متفاوت به نظریه شعاعیت معنا و کش سانی معنا در بافت و سیاق‌های متفاوت می‌توان به حقایقی دست یافت که با تلقی یکسان از معنای واژه، پنهان مانده است. با به کار بردن طرحواره‌های تصویری در قرآن و تبیین معنای پیش نمونه کلمات می‌توان به نکاتی مهم از معارف قرآن دست یافت. پس این مفهوم در قرآن نه تنها به عنوان یک صفت اخلاقی بلکه به عنوان نظامی معنایی شناخته می‌شود که با دیگر مفاهیم بنیادین مانند ایمان، هدایت، مغفرت، و فلاح در ارتباط تنگاتنگ است. در شبکه معنایی قرآن، تقوا هم پیش‌نیاز است، هم نتیجه، و هم معیار در ارزیابی انسان‌ها. این نشان می‌دهد که تقوا نه فقط یک عمل ذهنی، بلکه یک سبک زندگی معنوی و الهی در قرآن است.

با توجه به خصوصیات متن و بافت و سیاق آیات مختلف و مسئله به کارگیری

هدفمند اسمای خداوند در سیاق‌های متفاوت معنای تقوا هنگامی که خداوند مفعول واقع شود، با دیگر موارد متفاوت است. در اینجا پیش‌نمونه تقوا نگره‌داری و حفاظت از خطر است؛ اما بسته به سیاق می‌تواند معنای آن تغییرات کوچکی داشته باشد که منجر به فهم حقایق دیگری خواهد شد و هنگامی که تقوا به خود خداوند نسبت داده می‌شود و در آیه خداوند «أهل التقوی» نامیده می‌شود، پس تقوا در قرآن هم معنای درونی دارد (پرهیز، ترس از خدا، مراقبت از نفس) و هم به شکل رفتاری در عمل صالح بروز می‌کند. بدون تقوا، عمل صالح یا تداوم ندارد یا پذیرفته نمی‌شود. بنابراین قرآن همیشه این دو را به هم پیوند داده تا نشان دهد بندگی و اطاعت واقعی خدا هم در دل است و هم در عمل.

نتایج و آثار تقوا در قرآن کریم



۱. آرامش و امنیت درونی

۲. رستگاری و موفقیت آخرتی.

۳. رزق و روزی گسترده.

۴. حمایت و نصرت الهی.

۵. برکت و پاکی زندگی.

۶. محبوبیت اجتماعی و کرامت انسانی.

۷. پرهیز از عذاب و گرفتاری.

۸. آثار اجتماعی مثبت: عدالت، کمک به فقرا و تعاون.

منابع:

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، [بی‌نا]، [بی‌تا]
- ابن فارس (۱۴۰۴ق)، *مقایس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بی‌جا، *مکتبة الأعلام الإسلامية*.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*؛ بیروت: دار صادر.
- أزهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ایروتسو، توشیهیکو، (۱۳۶۱)، *خدا و انسان در قرآن*؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: شرکت سهامی انتشار.
- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دارکتب العلمیة.

- ترجانی زاده، (۱۳۴۸)، **معلقات سبع**، تبریز: دانشکده ادبیات تبریز.
- جمالی، مصطفی، (۱۳۹۲)، **مغنی الفقیه صرف کاربردی**؛ چ سوم، قم: دارالفکر.
- الراغب الاصفهانی، (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دارالعلم الشامیه.
- شمیم یاس، (۱۳۸۳)، «**درآمدی بر تقوا در قرآن و نهج البلاغه**»، سایت حوزه، تاریخ بازیابی: ۹/۴/۲۰۱۵.
- شیخی، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، **آشنایی با نهج البلاغه**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هفتم.
- طباطبایی، محمدحسین؛ (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- عسکری، أبوهلال بن الحسن (۱۴۱۹ق)؛ **الصناعتین: الكتابة والشعر**، بیروت، مكتبة العنصرية.
- فراهیدی، خلیل بن احمد فراهیدی، (۱۴۰۹ق)، **العین**، قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، **قاموس المحيط**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر الصافی**، تهران: انتشارات صدر.
- قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۹۰)، **معناشناسی شناختی قرآن**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، **قاموس قرآن**، تهران، دارالمکتبه الاسلامیه، چاپ ششم.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار** چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مستفید، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، **جزء ۲۶ تا ۳۰ با ترجمه و توضیحات ادبی و لغوی**، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
- نصرتی، شعبان و محمد رکعی، (۱۳۹۳)، «**نمابرداری شناختی در مفهوم سازی قرآنی**»؛ ذهن، ش ۵۴.